

اردیبهشتی در جواب به دخترانی که از تنوع کم این لباس گلایه داشتند گفت: «تنوع لباس بندری اصلاً کم نیست و این عزیزانی که چنین چیزی را می‌گویند شاید آگاهی لازم را در خصوص این لباس ندارند که چرا این لباس دارای تنوع کم است. بعضی از اهالی در سورو لباس کندوره ای می‌پوشند یا در محلات دیگر آستین فراخ می‌پوشند. آستین فراخ همان مانتو کیمونو است که با رنگ های شاد و زری روی آن کار شده است. لباس کندوره ای اصیل ترین لباس محلی در هرمزگان می‌باشد و از بقیه لباس های سنتی این استان دارای تنوع بیشتری است و نمی‌توانیم در آن تغییر ایجاد کنیم، البته می‌شود در آن تنوع ایجاد کرد ولی دیگر به آن لباس سنتی نمی‌گویند.»

کارآفرین نمونه ملی در خصوص این که لباس محلی حال همان لباس سنتی اصیل است یا خیر اظهارداشت: «خیلی کم می‌شود لباس اصیل را پیدا کرد. مثلاً در قدیم چادر بندری به این صورت نبود که الان هست چادرهایی که الان می‌پوشند چادرهای نازک همراه با بلوزهای مارک دار و آستین کوتاه همراه با شلوار جین است. این چادر کاملاً بدن نماست. در صورتیکه این لباس سنتی نیست و در واقع این کار خانم‌ها باعث زیر سوال رفتن سنت ما می‌شود. به نظر من مسوولین باید با چنین پوشش‌هایی برخورد کنند. زیرا لباس اصیل ما اصلاً این حالت را ندارد و حتی خود من در نمایشگاه‌های خارج از کشور یا داخل و سمینارها با لباس سنتی ظاهر می‌شوم که کاملاً از پوشش اسلامی و خوبی برخوردار است.»

اردیبهشتی علت بی‌علاقگی دختران را به این پوشش نداشتن آگاهی دانست و تصریح کرد: «دختری که وارد جامعه می‌شود، از علاقه سر در نمی‌آورد و این تبلیغات است که علاقه را به وجود می‌آورد و تبلیغات خوب باعث نتیجه خوب که همان علاقه دختران به این گونه لباس است می‌شود، ما در برنامه «شواشو» می‌بینیم که مجریان خانم این برنامه با لباس محلی جلوی دوربین ظاهر می‌شوند و این خود باعث جذب علاقه دختران جوان به این گونه لباسها می‌شود، ولی وقتی ما از این‌ها فاصله بگیریم چگونه دختران جذب این گونه لباس شوند؟»

وی نقش خانواده‌ها را در این زمینه مهم دانست و افزود: «این پوشش بسیار عالی است و باید خانواده‌ها این را بدانند که وقتی عضوی از این استان هستند پس باید به سبک همان استان و محله لباس بپوشند. این باعث تشویق فرزندان نیز می‌شود.»

مری آموزشگاه فنی حرفه ای طوفان در خصوص حفظ این سنت تصریح کرد: «به نظر من دولت باید دست مسوولین میراث فرهنگی همه استانها، نه تنها استان هرمزگان را باز بگذارد. منظور هزینه کردن برای ترویج این لباس و نمایش آن در نمایشگاه‌ها و موزه‌های استان، گذاشتن این لباس در موزه‌های کل کشور و جاهای دیگر است و این را باید مسوولین بدانند که تا هزینه نشود این سنت جان نمی‌گیرد و نمایش این لباس خود باعث آشنایی مردم با این سنت و فرهنگ و کمک به زنده ماندن آن می‌شود. همانگونه که میراث فرهنگی دارد به این کار رونق می‌دهد، دولت نیز باید برای میراث فرهنگی و صنایع دستی و دوخت‌های سنتی جایگاه ویژه‌ای را در نظر بگیرد.»

(ادامه در صفحه بعد)

اردیبهشتی ادامه داد: «در این لباس رنگ‌های متفاوت و شاد و روشن، زیاد دیده می‌شود و آن هم به دلیل وجود گرمای بیش از حد جنوب کشور است که از لباس مشکی به دلیل جذب گرما کمتر استفاده می‌کنند و این شادی خود نیز به روحیه خونگرم، صمیمی مردم این خطه بر می‌گردد.»

مری آموزشگاه فنی حرفه ای طوفان شهرستان بندرعباس در خصوص ارزش مادی و معنوی این لباس اظهار داشت: «ارزش لباس استان هرمزگان از لحاظ مادی زیاد است. زیرا این لباس دارای قیمت بالایی می‌باشد. مثلاً روسری که یک دختر هرمزگانی در جهازیه یا در مراسم از آن استفاده می‌کند روسری (جلیل) ست که در آن یک قرقره کامل خوس استفاده شده و دانه دانه یا به قول سازنده اش دنگ دنگ دوزی شده است و به حالت پارچه ای زیبا در می‌آید که قیمتی معادل ۵۰ هزار تومان دارد. یا شلواری که زنان این استان پا می‌کنند از نوارهای یک فصله، دو فصله، شک و زری، بادله یا نیم بادله (که با دست سازنده هایش بافته می‌شود) درست می‌شود و باید حاصل دست رنج زنانی که این گونه نوارها را می‌بافند محک زده شود.»

مثلاً در استان یزد یک دختر یزدی هنرش به این است که یک فرش از خودش داشته باشد و فرهنگ ما در استان هرمزگان این است که یک دختر هرمزگانی تمام نمونه‌های مختلف دوختن لباس اصیل را بلد باشد. مثلاً شلواری را آن گونه که ظرافت دارد بدوزد و یا نوارها را با دست خودش ببافد و روی پارچه نصب کند. این شلوار ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان یا بیشتر قیمت خواهد داشت.

پیراهن این لباس نیز از پارچه ململ که بر روی آن نواردوزی شده درست می‌شود و نوارهایی که در آن به کار رفته است باید دست بافت خودشان باشد. البته نوارهایی که در بازار موجود است ماشینی است و کسانی که برایشان مهم نیست از چه جنسی روی لباسشان استفاده کنند از آن استفاده می‌نمایند. ولی هرمزگانی اصیل و شخصی که برای مراسم مهم از آن استفاده می‌کند حتماً باید لباسش اصیل باشد و آن حساسیت دوخت و طرح روی لباسش دیده شود.

مثلاً در لباس کندوره‌ای، سرآستین، زیرآستین، زیرسینه، توی کمر و پایین لباس نواردوزی شده است و چون یک لباس سنتی اصیل باید به دست خود بانوان این استان دوخته شود، این کارها از نظر مادی هزینه بالایی دارد و از لحاظ معنوی هم به نظر من به نوعی آرامش دل‌ها را در پی دارد زیرا تماماً شاهکار کار دست خودشان است از بازار خریداری نشده است.»

وی در خصوص رواج یا بایگانی این لباس افزود: «فرهنگ و زبان و لباس محلی اصالت هر استان است. اگر این لباس به فراموشی سپرده شود فرهنگ آن نیز فراموش می‌شود. پس باید آن را رواج داد، نه این که آن را به فراموشی سپرد و عزیزانی که در راس این کار هستند به عنوان شعار نگویند که صنایع دستی را زنده کنیم، بیایند آن را احیا کنند زیرا این فرهنگ دارد از بین می‌رود.»

الآن مدتی است که با هماهنگی صنایع دستی و میراث فرهنگی، خوشبختانه این لباس را در نمایشگاه‌ها به معرض دید گذاشته‌اند و در مراسم عروسی نیز از لباس‌های سنتی استفاده می‌شود. لباس سنتی که عروس خانم‌ها برای حنابندان می‌پوشند واقعاً زیباست و چرا باید از اول تا آخر لباس سفید بپوشند؟! این رسوم و فرهنگ است که باعث زنده نگه داشتن اصالت یک جامعه است و نابودی این لباس یعنی نابودی فرهنگ.»

